

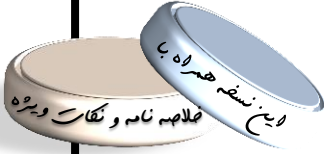
بازگشت (توبه) به سبک غفور

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰ درصد

جامع  
دینی



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری



کنکور ۹۹

## دین و زندگی چهارم دبیرستان

## درس هفتم (بازگشت)

(۱) مقدمه:

خدای متعال به حضرت داود فرمود:

ای داود، اگر روی گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت هایشان می دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می گسست.

جمع بندی حضرت داود در کل دین و زندگی، (داود سه بار در کتاب درسی دینی تکرار شده است)

(۱) توکل:

توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله ی خدایا، بر تو توکل می کنم نیست بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. خداوند آینده هایی را می بیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می دانیم در حالی که به نفع ماست بنابراین شایسته است که با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره سازی خدا نیست.

امام صادق فرمود: خداوند به داود وحی کرد هر بنده ای از بندگانش به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره جویی می کنم، گرچه همه ی آسمان ها و زمین و هرچه در آن هاست، علیه او برخیزند.

(۲) امر به معروف و نهی از منکر:

قوم بنی اسرائیل، هم در زمان حضرت داود و هم در عصر حضرت عیسی راه نافرمانی از خدا را پیش گرفتند و چنان در گناه غرق شدند که مورد لعن این پیامبران بزرگ واقع شدند.

صادق درباره ی آنان می فرماید:

گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما هنگامی که آن ها را ملاقات می کردند، به روی آن ها می خندیدند و با آنان مأنوس می شدند.

جملات خطی مهم محبت در دین و زندگی کنکور:

خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه ی خوبی ها و زیبایی هاست، در ما قرار داد. از این رو، هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند، خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند. کودکی که از مادر متولد می شود، رحمت الهی را به خانه می آورد، شادی و نشاط را در خانواده می پراکند و نهال عشق و محبت را در دل مادر و پدر می پرورد.

آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد. خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند. (رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ)

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی **محبت** و **رحمتش** را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند (مفهوم روی گردانان از خداوند) خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره (مفهوم توبه) به سویش روکنند.

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود / زمانه طرح **محبت** نه این زمان انداخت

حافظ می گوید **محبت** و **الفت**، بر آفرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را براساس **محبت** بنا نهاد.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (کسانی که ایمان آوردند به خداوند **محبت** بیشتری دارند)

**محبت** و دوستی سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در دل بستگی ها و **محبت** های او دارد و همین **محبت** هاست که به زندگی آدم ها **جهت** می بخشد. هر قدر این **محبت** شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است.

**محبت** به فرزند در دختر سبب می شود از خودمحوری درآید، خود را فراموش کند و فردی ایثارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود.

اگر عشق و **محبت** انسان از امور مادی محدود فراتر رود و دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند. سرگذشت دوستان خدا این گونه است.

آن کس که به خدا ایمان دارد و **محبت** او را در قلب خود جای داده است، به میزانی که ایمانش اوج می گیرد و **محبتش** فزون تر و عمیق تر می شود، احساس حیاتی دوباره می کند و شور و شوقی فرح بخش وجودش را فرا می گیرد. امام خمینی: مگر تحقق دیانت جز اعلام **محبت** و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و براءت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.

خداوند می خواهد که مردم با **محبت** به اهل بیت پیامبر و پیروی از آن ها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند.

لطف و **محبت** امام همواره وجود دارد تا جایی که اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد. در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. افزایش معرفت به امام عصر و تقویت **محبتی** که به دنبال آن می آید، وظیفه هر مسلمانی است.

توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیش تر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با **محبت** مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن خود نان آور خانواده باشد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت زاست. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید با چشم باز عمل کرد و به انتخابی شایسته دست زد. لازمه چنین انتخابی، تسلط کامل بر شور و احساس جوانی است. همواره دیده ایم که علاقه و **محبت** اولیه، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند.

پدر و مادر به علت علاقه و **محبت** به فرزند، معمولاً مصلحت و خوش بختی او را در نظر می گیرند و به علت تجربه و پختگی شان، بهتر می توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش بینی کنند.

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه ارزشی که برای زن قائل است و اعلام صداقت خود در محبت به همسر، متعهد می شود که هدیه ای را به عنوان (مهر) به زن تقدیم کند.

مهر و محبت پشتوانه اصلی تحکیم خانواده است نه مهریه که جنبه اقتصادی و مالی دارد.

مرد باید محبت درونی خود را به همسر ابراز کند و از مخفی کردن آن پرهیزد. همسر با شنیدن ابراز محبت مرد، اعتماد به نفس فوق العاده ای می یابد و توجه او به زندگی چند برابر می شود.

فداکاری و محبت مادر به فرزند، به خود مادر هم تعالی می بخشد و نشاط می دهد.

اسلام، وظیفه تأمین معاش را از دوش مادران برداشته تا آنان بدون درگیری شغلی و مالی و با خیالی آسوده، مهر و محبت خود را تقدیم فرزندانشان کنند.

حفظ حرمت پدر و دستورات وی به قانون مند کردن فرزندان کمک می کند و محبت و احترام به مادر حس قدردانی و شکر گزاری را در آنان قوی تر می سازد.

#### ۲) تعریف توبه:

تصمیم های جدید همواره برای تکمیل پیمان های قبلی و پیمودن ادامه راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان باری بر جای گذاشته است.

#### ۳) مفهوم توبه: (دینی دوم)

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند (مفهوم روی گردانان از خداوند) خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره (مفهوم توبه) به سویش روکنند.

#### ۴) داستان بشر بن حارث و توبه او: (توبه و پایداری در آن یک انسان عیاش را پرهیزگار و خداپرست می کند)

روزی امام موسی کاظم از کوچه های بغداد می گذشت. از یک خانه ای صدای عربده و تار و تنبور بلند بود، می زدند و می رقصیدند و صدای پایکوبی می آمد. اتفاقاً یک خادمه ای از منزل بیرون آمد در حالی که آشغالهایی همراهش بود و گویا می خواست بیرون بریزد تا مامورین شهرداری ببرند. امام به او فرمود صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ سؤال عجیبی بود. گفت: از خانه به این مجللی این را نمی فهمی؟ این خانه «بشر» است، یکی از رجال، یکی از اشراف، یکی از اعیان، معلوم است که آزاد است. فرمود: بله، آزاد است، اگر بنده می بود که این سر و صداها از خانه اش بلند نبود. حال، چه جمله های دیگری رد و بدل شده است دیگر نوشته اند، همین قدر نوشته اند که اندکی طول کشید و مکثی شد. آقا رفتند. بشر متوجه شد که چند دقیقه ای طول کشید. آمد نزد او و گفت: چرا معطل کردی؟ گفت: یک مردی مرا به حرف گرفت. گفت: چه گفت؟ گفت: یک سؤال عجیبی از من کرد. چه سؤال کرد؟ از من پرسید که صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ گفتم البته که آزاد است. بعد هم گفت: بله، آزاد است، اگر بنده می بود که این سر و صداها بیرون نمی آمد. گفت: آن مرد چه نشانه هایی داشت؟ علائم و نشانه ها را که گفت، فهمید که موسی بن جعفر است. گفت: کجا رفت؟ از این طرف رفت. پایش لخت بود، به خود فرصت نداد که برود کفشهایش را بپوشد، برای اینکه ممکن است آقا را پیدا نکنند. پای برهنه بیرون دوید. (همین جمله در او انقلاب ایجاد کرد.) دوید، خودش را انداخت به دامن امام و عرض کرد: شما چه گفتید؟ امام فرمود: من این را

گفتم. فهمید که مقصود چیست. گفت: آقا! من از همین ساعت می خواهم بنده خدا باشم، و واقعا هم راست گفتم. از آن ساعت دیگر بنده خدا شد.

تیپ سوالات بشر بن حارث: (مانند ریدینگ های زبان است با این تفاوت که متن را به شما نمی دهند!)

۱. کدام امام باعث توبه شد؟ موسی کاظم یا امام هفتم پدرش جعفر صادق و پسرش علی بن موسی الرضا در زمان خلفای عباسی

۲. اعلام توبه به تنهایی او را در سلک مردان پرهیزگار در آورد؟ خیر؛ وفاداری در پیمان

۳. پاسخ خدمتکار به امام؟ حارث آزاد است.

۴. پاسخ امام به خدمتکار؟ اگر بنده بود حرمت مالک (توحید مالکیت) و صاحب (توحید خالقیت) خانه خود (منظور خداوند) را نگه می داشت (ترکیبی: فرزندان هم باید حرمت والدین خود را نگه دارند)

۵. زمان توبه چه موقع بود؟ بلافاصله پس از پرسیدن علت تاخیر خدمتکار و پابرنه دویدن به سوی امام موسی کاظم

۶. عامل توبه چه بود؟ کلام امام همچون تیری بر قلب بشر بن حارث نشست.

۷. لازمه توبه چیست؟ انقلاب درونی فرد (همان طور که حارث پس از شنیدن کلام امام منقلب شد)

۸. لازمه تدوام توبه شخص چیست؟ وفاداری در پیمان خویش

۹. شغل حارث چه بود؟ اشراف زاده (همون آقا زاده!!!)

#### ۵) انقلاب علیه خود:

گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان ها، قدری بیشتر، می توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند (مثال: تغییر جهت گیاه در اثر آنزیم اکسین به سمت نور و یا فرار از نور در پلانتاریا یادت هست پلانتاریا دستگاه عصبی مرکزی اش از ۱ مغز و ۲ عدد طناب عصبی شکمی تشکیل شده بود! بین طناب ها رشته های عصبی وجود داشت که جز دستگاه عصبی محیطی محسوب میشد! زیست و دینی رو اینجوری ترکیب کن!) و مسیر حرکت را عوض کنند.

اما هیچ کدام از گیاهان و حیوانات توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

خب کتاب درسی اومده یه (بررسی) آورده که اگه بررسیش نکنی بازی رو باختی پس با من باش:

با توجه به آنچه در سال های قبل درباره «نفس اماره به بدی» و «نفس لوّامه» و

«خوددانی» و «خودعالی» آموخته اید، به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس درباره ظلم به خود می باشد؟

۲- چگونه انسان به خود ظلم می کند؟

۳- انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می کند؟



تحلیل انواع نفس در کل دین و زندگی کنکور:

الف) نفس اماره

که همواره انسان را به بدی‌ها فرمان می‌دهد و اگر با عقل و ایمان مهار نشود، انسان را به سقوط و تباهی می‌کشاند. در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» به درستی که نفس انسان را به کارهای زشت و ناروا فرمان می‌دهد مگر آن که پروردگارم رحم کند.

این نفس، آنقدر خواهش و خواسته خود را تکرار می‌کند تا انسان را گرفتار سازد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفس اماره همچون فرد منافق تملق انسان را می‌گوید و در قالب دوست جلوه می‌کند تا بر انسان مسلط شود و او را به مراحل بعد وارد کند.

کل جملات کتاب:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلِمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (در این جا اقرب: منظور قرب وجودی نه قرب الهی)

نفس هر دم در درونت در کمین...

در زمان تسلیم شدن انسان در برابر نفس اماره شکست درونی متبوع شکست بیرونی است. دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.

عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان (نفس لوامه) باز می‌دارد.

ب) نفس لوامه:

مراد از آن، همان وجدان اخلاقی باشد. آری، انسان دارای حالتی است که در برابر انجام بدی‌ها یا کم شدن خوبی‌ها، هم در دنیا خود را ملامت می‌کند و هم در آخرت. این ملامت‌ها، همان ندامت و پشیمانی است که می‌تواند مقدمه توبه (درس ۷ پیش) باشد و یا بستری برای یأس و خودباختگی (درس ۵ دوم دیدگاه مایدیون) فراهم آورد. (کامل توضیح داده شد در مورد شماره ۹)

ج) نفس مطمئنه:

که در اثر نماز و یاد خدا حاصل می‌شود و انسان به آرامش و اطمینان دست پیدا می‌کند. قرآن کریم در یک می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِى» نماز را به یادار تا به یاد من برسی و در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آگاه باشید که با یاد خداوند دلها اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند.

در مقابل تردید و تشکیک مخالفان در معاد که بازگشت آن به قدرت خداوند است، قرآن بر قدرت الهی در باز آفریدن انسان‌ها تأکید می‌کند. (اثبات امکان معاد با ذکر نمونه‌ها) اینجوری بگو یادت نره: مطمئن باش معادی در کار هست! حالا:

بررسی آیه مربوط به ظلم خود (پاسخ سوال یک بررسی کنید کتاب)

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

## پیام آیات:

سوء در لغت، به معنای زیان رسانی به دیگران هم آمده است. پس آیه هم ظلم به مردم و هم ستم به خویش را مطرح می‌کند. چنانکه برخی مراد از «سوء» را گناه صغیره و مراد از «ظلم به نفس» را گناهان کبیره دانسته‌اند.

انسان حق ندارد حتی به خودش ظلم کند و گناه در حقیقت ظلم به خویش است. **يُظْلِمُ نَفْسَهُ**

راه بازگشت برای خطاکاران باز است. **يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ**

میان استغفار بنده و مغفرت الهی، فاصله‌ای نیست. **يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ يُجِدِ اللَّهُ غَفُورًا**

توبه‌ی واقعی چنان شیرین است که انسان، رحمت الهی را در درون خود احساس می‌کند. **يَجِدُ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا**

خداوند نه تنها بدی‌ها را می‌بخشد، بلکه مهربان هم هست. **غُفُورًا رَحِيمًا**

ظلم انسان به خودش با ارتکاب گناهان است.

به شرطی که پس از ظلم انسان به خودش نفس لوامه یا همان خود عالی در مقابل نفس اماره یا همان خود دانی قیام کند توبه صورت پذیرفته است.

یک انقلاب درونی علیه خود لازم است تا نفس لوامه با پیروزی بر نفس اماره و شیطان بتواند به توبه معنی بخشد.

این آیه بیانگر تجلی صفت مهربانی و غفران الهی برای انسان توبه‌کار است.

رمز آیه: ظلم به خود - یظلم نفسه - انتهای آیه: غفور + رحیم

۶) کاربرد توانایی انقلاب علیه خود: (توضیح مفهومی دیگر از فطرت خدا آشنا/ کلک طراح: استفاده از ویژگی‌های گرایش به خوبی‌ها و بیزاری از بدی‌ها و گول خوردن دانش‌آموزان!)

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. (فطرت خدا آشنا در دینی دوم)

همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم.

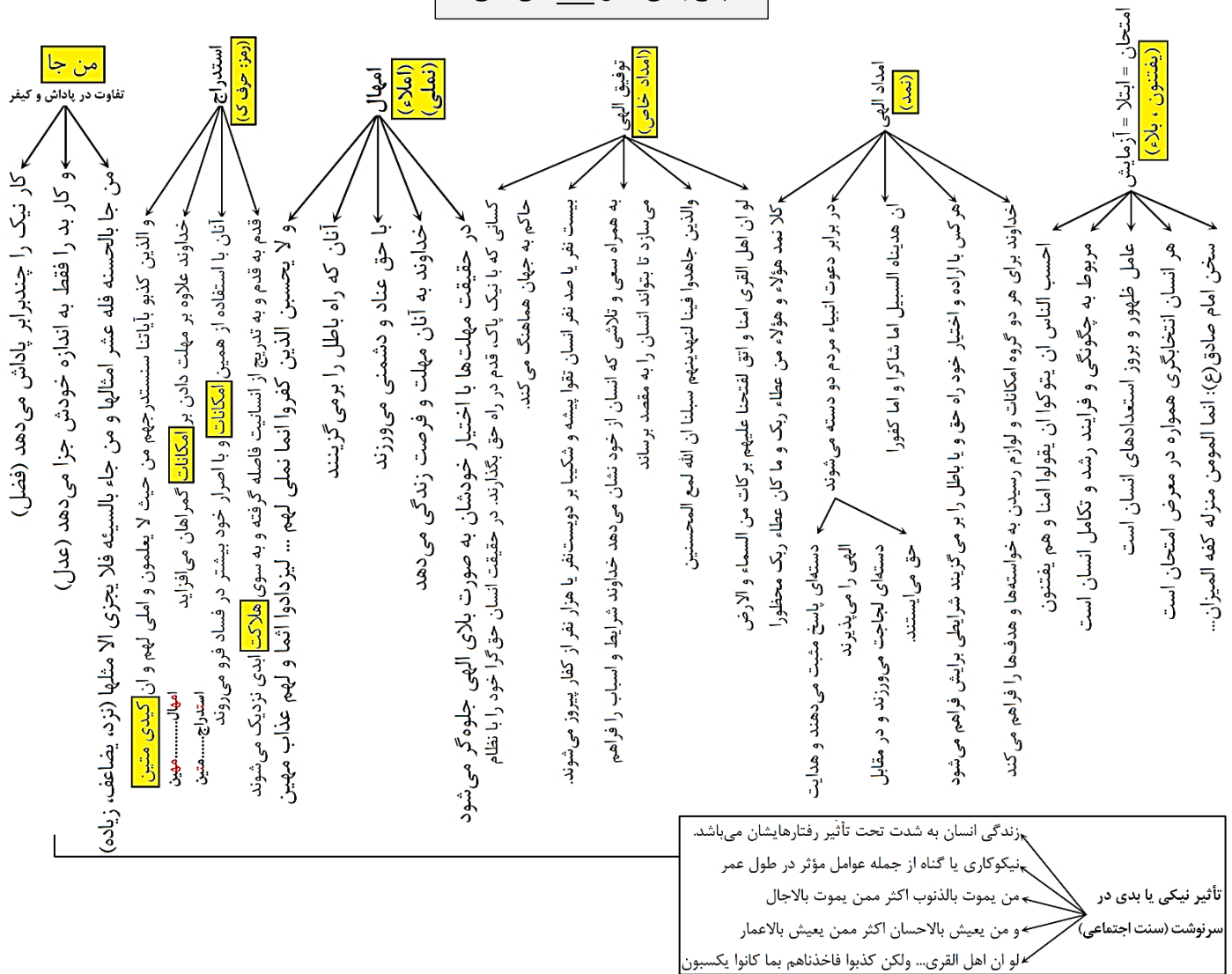
خدایی شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست. (مفهوم تقرب الهی)



البته شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست . (اشتیاق خداوند آنقدر زیاد است که بنده اگر می دانست از شدت تلاش در جهت تقرب الهی تکه تکه میشد!)  
 او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک ترین همت ما را با پاداش های بزرگ پاسخ می دهد(سنت تفاوت در پاداش و کیفر) کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.  
 نکته: گفتیم سنت الهی پس جمع بندی کنیم:

(درس ششم دینی پیش)

جمع بندی کامل سنت های الهی



نکته: شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست.

نکته: جمع بندی فطرت خدا آشنا در کل دینی کنکور:

با توجه به آیه شریفه ی ((فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)) می توان بیان داشت که چون همه

مردم به سرشت الهی خلق شده اند باید به زندگی رویکرد دینی بدهند و خود شناسی مقدم بر خدا شناسی است و این آیه



مارا از سرگردانی در اینکه ( از کجا آمده ام ...) نجات می بخشد و با آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوْسُ بِهِ نَفْسُهُ...)) ارتباط مفهومی دارد چرا که قسمت دوم این آیه آمده است: ((وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)) و ما باید قسمت دوم را حتماً حفظ باشیم چرا که طراح ممکن است قسمت دوم را در تست ندهد؛ خدا سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش خود را در ما قرار داد. هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند. همچنین با حدیث امام علی (ع): (در هیچ چیز ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن ، بعد از آن و با آن دیدم) ارتباط مفهومی دارد و با بیت: (دوست نزدیک تر از من به من است / وین عجب تر که من از وی دورم ... مهجورم) ارتباط مفهومی دارد و می توان بیان داشت که: مشهود بودن خدا در همه یک رمز قابل اعتماد برای سرمایه رشد (فطرت خدا آشنا) می باشد. همچنین نباید این سرمایه رشد را با سرمایه رشد با عنوان: (گرایش به خیر و نیکی) اشتباه گرفت که رمز دومی گرایش به چیز های مثبت و بیزاری از چیز های منفی است ولی اولی: گرایش به خداست. همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می یابیم. خدایی شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.

تیب تست های مطرح شده در این بخش:

۱. اشتیاق دو طرفه است یا یک طرفه؟ دو طرفه

۲. اشتیاق دیدار خداوند توسط انسان . . . . . تراز خداوند به دیدار انسان است. (کمتر)

۳. وجود سرشت خدا آشنا در وجود انسان . . . . . است برای احساس پیوند قلبی میان خود و خداوند. (علت)

۴. آرزوی انسان . . . . . شدن است و مقصد انسان . . . . . است. (خدای - در کنار خدا آرام گرفتن)

۵. در مورد با بند چهارم طراحان علاقه خاص به ارتباط بند ۴ با آیه ۵۵ سوره قمر دارند:

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

پیام:

مقین، هم از نظر مادی کامیاب خواهند شد، «فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ» و هم از نظر معنوی. فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ

مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

بهشت، سراسر صداقت است و ذره ای دغل بازی در آن راه ندارد. مَقْعَدِ صِدْقٍ

۶. این که خداوند برای هر قدمی که انسان به سویش برمی دارد هزاران قدم و با شتاب به سوی انسان حرکت کند معلول چیست؟

گزینه اول: معلول اشتیاق و شوق بیشتر خداوند به رستگاری و سعادت انسان

گزینه دوم: معلول انتظار خداوند برای ملاقات انسان و فراوانی اشتیاق به ملاقات انسان

جواب: باید به متن کتاب مراجعه کرد چرا که در این مواقع بهترین منبع کتاب درسی است و نه استفاده از احساسات مان!

متن کتاب:

همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوی ماست. البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک ترین همت ما را با پاداش های بزرگ پاسخ می دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

با عنایت به متن کتاب درسی بهترین گزینه؛ گزینه دوم است ولی گزینه اول هم چندان غلط نیست به هر حال در تست ها اولویت با گزینه دوم است.

۷) ناسپاسی:

گاهی آدمی حرمت خدای خود را می شکند، گام در مسیر ناسپاسی می گذارد و خود را به گناهان آلوده می کند و از مسیر رستگاری دور می شود.

تیپ تست ۱: قدم گذاشتن در مسیر ناسپاسی و عدم شکرگزاری علت است برای شکستن حرمت خداوند.

تیپ تست ۲: دور شدن از مسیر رستگاری معلول این است که انسان با ناسپاسی کردن حرمت خدای خویش را بشکند.

تیپ تست ۳: شروع حرمت شکنی با ناسپاسی می باشد که خود گناه است.

گاهی حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می

گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سوی که شیطان و سوسه اش می کند، قدم بر

می دارد.

تیپ تست ۱: افزایش تدریجی حرمت شکنی با گسترده شدن گناه و خاموشی چراغ عقل و فطرت صورت می گیرد ولی شروع آن با ناسپاسی است.

تیپ تست ۲: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: حرمت شکنی افزایش داشته باشد. (کلک طراح: با شروع حرمت شکنی ناگهان جهت الهی زندگی تغییر می کند. گزینه ای غلطه مواظب باش اشتباه نکنی)

تیپ تست ۳: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: دامنه گناه گسترده شود.

تیپ تست ۴: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: چراغ عقل و فطرت به خاموشی گراید.



ترکیب های خفن ویژه غفوریون:

۱) چراغ های کنکوری!!

الف) برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: **عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در**

**بیرون** انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی یابد و پاسخ می دهد. مثلاً می داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوست. همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند **هدایت الهی** است. از این رو خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دست یابی به همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد.

ب) خداوند می خواهد که مردم با **محبت** به اهل بیت پیامبر و پیروی از آن ها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند. پس دوستی و محبت کسانی در آیات موردنظر است که **چراغ** هدایت مردم در تاریکی ها هستند.

ج) مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان **چراغ** هدایتی است که در پرتو آن می توان راه را از بی راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن بست می انجامد، راه درست را برگزید و آن را به سلامت پیمود.

د) نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر می شود. همین نور معمولی را درنظر بگیریم. نور یک **چراغ** در اتاق، هم خودش روشن است و هم سبب روشن و آشکار شدن اشیای داخل اتاق می شود. نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است. او نور **هستی** است.

ه) گاهی حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می شود که **چراغ** عقل و فطرت به خاموشی می گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سوی **شیطان** وسوسه اش می کند، قدم بر می دارد.

نتیجه: چراغ در تست های کنکور می تواند **عقل** باشد می تواند **فطرت خدا آشنا** باشد می تواند درباره هدایت باشد. می تواند

در مورد خداوند نور هستی آمده باشد. می تواند به جای فرستادگان الهی برای هدایت تشریحی انسان به کار رود!

۲) جمع بندی (عقل و تعقل) در دین و زندگی:

عاملی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زود گذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می دارد. (نفس اماره)

قانون عقل و خبر پیامبران: دفع خطر احتمالی لازم است.

نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سرنخواهد زد. (ضرورت معاد براساس حکمت الهی)

توکل، جانشین تبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همّت، تعقل و پشتکار است. (رمز= اهل تپه باید توکل کنن!)

قرآن کریم از انسان ها می خواهد که درباره ی هدفمندی جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این رو مردم را دعوت می کند به پدیده های پیرامون خود نظر کنند.

در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. (آمادگی جامعه بشریت از علل ختم نبوت)

رسول خدا در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی و اهل بیت را برای مردمی که قرن ها با نظام قبیله ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه شرافت می دانستند بیان می کرد تا دل های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیرعرب تفاوتی قائل نمی شدند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می خواندند و ساده می زیستند.

دو آیه (سپروا فی الارض) دار داریم که یکی به (افلا تعقلون) ختم میشن باید جمع بندی کنیم:

((قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ  
النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ))

نتایج سیر و گردش در زمین:

۱) درک چگونگی پیدایش دنیا

۲) مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

۳) مشاهده قدرت خداوند

آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان

معاد

وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن  
قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ))

سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت

گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست.

کفار از مخالفت با پیامبران چیزی بدست نمی آورند، در دنیا

گرفتار قهر و عذابند. ولی اهل تقوا به آخرت که بهتر از

دنیاست می رسند.

به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و

قرآن است.

برخی امور از نظر عقلی امکان پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور

هستند که پیدایش آن‌ها از نظر عقلی امکان پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. (عمر طولانی حضرت مهدی عقلانی است ولی غیرعادی است)

اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند. (عهدنامه مالک اشتر)

**عقل و وجدان**، انسان را به تمایلات عالی فرامی‌خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. اما هوی و هوس (نفس اماره) از انسان می‌خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای **عقل و وجدان** و نفس لوامه گوش فرامی‌دهد و تسلیم نفس اماره نمی‌شود.

همواره دیده ایم که **علاقه و محبت اولیه**، چشم و گوش را می‌بندد و **عقل** را به حاشیه می‌راند، به گونه‌ای که فریاد های خیرخواهانه او را نمی‌شنوند.

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ **عقلی** و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد. با رسیدن بلوغ **عقلی**، جوان در می‌یابد که باید زندگی را بسیار جدی گرفت و برای آینده برنامه ریزی کرد. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره ویژگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانه های بلوغ **عقلی** است. نباید فاصله میان بلوغ جنسی و **عقلی** با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد.

انسان با کمک **عقل** خود می‌تواند به درک این حقیقت برسد که **بنابر حکمت و عدل خداوند**، مرگ ناپود کننده او و پایان همیشگی زندگی اش نیست و آینده‌ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، اما **نمی‌داند** که **نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است**.

**برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن**، خداوند دو چراغ به وی داده است: **عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون**. انسان به کمک **عقل** خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی‌یابد و پاسخ می‌دهد. مثلاً می‌داند که **جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده‌ای روشن در انتظار اوست** همچنین انسان به کمک **عقل** خود متوجه می‌شود که نمی‌تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند **هدایت الهی** است. از این رو خداوند **پیامبرانی** را می‌فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان‌ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان **عاقلاً** بیندیشد، راه دست یابی به **همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی‌ها ندارد**.

امام کاظم: ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی **تعقل** کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از **معرفت** برتری برخوردار باشند و آنان که در **تعقل** و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی **داناترند** و آن کس که **عقلش کامل** تر است، **رتبه** اش در دنیا و آخرت **بالتر** است. + **حجت نهان همان عقل است**.

**عقل وسیله فهم پیام الهی است**. و آنکه **تعقل** کند هدف و آینده و راه درست زندگی را می‌یابد.

خداوند، متناسب با دو ویژگی (**عقل**) و (**اختیار**) در انسان‌ها، آن‌ها را با فرستادن **دین** راهنمایی و **هدایت** کرده است و پیامبران الهی مسئولیت **ابلاغ** و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند.

۸) گرفتاری در گناه:

تیپ تست های مختلف طراحان:

عامل بیزاری و تنفر از گناه در اولین دفعه ارتکاب به گناه چیست؟

مشاهده شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود

عامل فراموشی و نادیده گرفتن تنفر اولیه از گناه چیست؟

گرفتاری در گناه + عادت به گناه

پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت کدام اند؟

توجیه گناه + عادت به گناه

نقطه مشترک میان عوامل فراموشی و نادیده گرفتن تنفر اولیه از گناه با پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت کدام

است؟ (احتمالی ۹۹)

عادت به گناه

میزان تاثیرات گناهان یکسان...؟

نیست، برخی زیاد برخی کم ولی قطعاً تاثیر خود را می گذارند. کلک طراح: (گناهی بی تاثیر باشد) اشتباهه!

پیامد های گناهان بزرگ کدام است؟

خروج انسان از مسیر **توحید و اخلاص**

گرفتاری در **دام شیطان**

تباهی زندگی

عذاب اخروی

اثر بر نسل های بعدی

نکته: موارد رنگی فوق آنقدر قابل ترکیب با درس های دینی هستند که اگر می نوشتم ۴۰ صفحه میشد! پس خودتون در

ذهنتون لینک کنید! ولی از همه خلاصه ای آوردم:

**توحید:**

توحید ذاتی (اصل توحید): غنی-احد-حی لایموت

خالقیت: خلق-انشا-فطر-آفریدگار-مبدا-سرچشمه-جهان از خداست

مالکیت: از آن خداست-له-الله-امور

ولایت: ولی-حکم-حاکم-فرمانروا-دخل و تصرف-کن فیکن-سرپرست

ربوبیت: پروردگار-پرورش-رب-تدبیر-اداره-اراده-تربیت-نیرو-توان-هدایت-به پیش برنده-پشتیبان-ان شاء

تذکر غفوری: تمام کارهایی که خدا در جهان انجام می دهد، بجز خلق، مربوط به ربوبیت است.

حمد، عبد، احداً، شکر، تسلیم، تسبیح، تنزیه، توکل، اخلاص، اطاعت و هر ریشه ای از این کلمات: اشاره به توحید عبادی

توحید مالکیت ثمره توحید خالقیت است.

توحید ولایت ثمره توحید مالکیت و خالقیت است.

توحید ربوبیت ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت است.

توحید عبادی ثمره ی توحید در ربوبیت است در نتیجه ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت نیز هست.

لااله الا الله : همه ابعاد توحید

هذا صراط المستقیم همیشه توحید عملی (رمز: این راه هست انسان باید بره پس توحید عملی میشه!)

اهدنا الصراط المستقیم همیشه توحید ربوبیت (رمز: ما را به راه راست خداجونم!) هدایت مون کن! چون خدا داره یه کاری غیر

خلق کردن انجام میده پس همیشه توحید ربوبیت)

**اخلاص:**

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت گیری های زندگی انسان سمت و سوی الهی پیدا کند و همه کار ها

فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آن ها راه نداشته باشد. بنابراین، اخلاص در بندگی

معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزان که درجه اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی تر و درجه

اش در بهشت بالاتر است.

برنامه ریزی برای اخلاص:

۱ تقویت روحیه حق پذیری: اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص

۲ افزایش معرفت به خداوند : به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق تر بشناسیم، انگیزه ما برای

پرستش و بندگی نیز افزایش می یابد.

۳ راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او : نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می

کند، غفلت را کنار می زند و انسان را از امدادهای او بهره مند می کند.

۴ یاد معاد و روز حساب : یکی از راه های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص، توجه به این حقیقت است که همه ما

حیات جاودانه ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می شود.

۵ انجام عمل صالح : قرآن کریم غالباً عمل صالح را بعد از ایمان معرفی نموده است . زیرا وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را

شناخت و به آن ایمان آورد، پای در میدان عمل می گذارد و از کار و تلاش و مجاهدت باز نمی ایستد . عمل صالح، انسان را

پرورش می دهد و وجودش را خالص می سازد.

جمع بندی ثمرات اخلاص:

اولین ثمره: عدم نفوذ شیطان و یاس او از فرد با اخلاص

دیگر ثمره ها:

دست یابی به معرفت و اندیشه های محکم با نفوذ حکمت (دانش متین و محکم) به اختیار انسان نتیجه: تصمیم گیری آگاهانه

و درست و عدم سرگردانی

احساس اطمینان + آرامش + لذت واقعی زندگی و نجات از فساد و دغدغه و اضطراب و کسب زیبایی های معنوی در عین بهره

مندی از دنیا یعنی ایجاد تعادل در زندگی



میوه های وصف ناشدنی: شامل: بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هر چه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت

بالاترین میوه: دیدار محبوب حقیقی + تقرب الهی

**شیطان در دین و زندگی:**

توهم: برتری بر آدم

سوگند: فریب بنی آدم

راه های فریب: **زیبا** خانوم (زیبا نشان دادن گناه) **آرزو** خانوم (سرگرم کردن به آرزوهای سراب گونه دنیایی) **سکینه** خانوم (ایجاد کینه میان مردم) **غافل** میشن (غافل کردن از خدا و یاد او)

کارش: وسوسه + وعده دروغین

راه نفوذ: نفس اماره

گفته شیطان به اهل جهنم: در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده، به اهل جهنم می گوید خداوند به شما وعده ی **حق** داد، اما من به شما وعده ای دادم و **خلاف** آن عمل کرد البته من بر شما **تسلطی** نداشتم (وجود اختیار)، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز **خود** را سرزنش کنید نه مرا. نه من می توانم به شما کمکی کنم و نه شما می توانید مرا نجات دهید.

وسوسه کردن طبق آیه: دعوت به بدی (فحشا و سو) + ناآگاهانه صحبت کردن

اقرار شیطان: ناتوانی از فریب **مخلصین**

**رمز حفظ موارد حرام:** ( دروغ به غول شریک) (ترکیب با درس ۱۲ دوم)

**فاحشه** ای به **اسم** (اثم) **بغ** بغه به **شریک** (همون غول معروف!) **دروغ** گفت که **نمیدونه!!**

درباره خدا **ناآگاهانه** سخن گفتن  
نسبت **دروغ** بستن به خدا  
**وسوسه شیطان هم همینه دقیقاً!!**

**شرک** به خدا (تشرکوا)  
شرک همیشه چی بود؟ **سلطانان!**

زشت کاری (**فواحش**)  
گناه (اثم)

تجاوز به ناحق  
(**بغی** بغیر حق)

حالا یه سوال: شریک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین **سلطانان!** پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل **سلطان**) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ **استدلالی** ندارن!

۹) سایر نکات مبحث ناسپاسی:

نکته تلخ تر و رنج آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان ها، در هنگام ارتکاب گناه است.

برخی از گناهان بزرگ: دروغ + ظلم به مردم + پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظلم + کسب مال حرام + فساد اخلاقی + روابط نامشروع + تهمت + ترک نماز و روزه

امام صادق: (به یکی از یاران) چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می بینی. پس اگر تو او را نمی بینی، او تو را می

بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی بیند، **کفر** ورزیده ای و اگر بدانی که او تو را می بیند و در عین حال در مقابل او گناه می کنی، او را خوارترین بینندگان به خود قرار داده ای!

۱۰) حقیقت توبه:

توانایی انقلاب علیه خود حاصل (میوه، نتیجه، معلول) پشیمانی از گذشته است.

این توانایی به انسان امکان می دهد راه رفته را باز گردد و فرصت های از دست داده را جبران نماید.

توانایی انقلاب علیه خود و توبه دروازه رحمتی است که خداوند بر روی بندگان گشوده است.

توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند است. برای خداوند هم به

کار می رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه کار است.

ترکیبی: همه دروازه های دینی: (در دینی سوم دروازه فقط یک جا داریم و در دینی دوم هیچ دروازه ای نداریم! در دینی پیش

هم دو جا دروازه داریم یکی درس ۵ و دیگری همین درس)

الف) آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی: یکی از عوامل بعثت پیامبر جدید، پایین بودن سطح درک انسان

ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی بود. در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که

بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. درواقع،

انسان ها وارد دوره بلوغ فکری شده بودند. خداوند کتابی بر پیامبر اکرم نازل کرد که نیازهای هدایتی بشر را در طول زمان ها

پاسخ گوید و مؤمنان با تفکر در این کتاب بتوانند در هر دوره ای به دروازه های جدیدی از معرفت دست یابند.

ب) فواید توجه ما به اختیار:

گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است، اما آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از آن

است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که ضریب هوشی و استعداد فکری خارق العاده ای

دارند ولی بدان توجه نکرده و آن را در وجود خود مدفون ساخته اند. و چه بسیار افرادی که از هوش متوسطی برخوردار

بوده اند اما دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند. میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور

دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است. انسانی که اختیار خود را

باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می کند، و از خودباوری بالایی برخوردار است؛ در قبال کارهای خود احساس

مسئولیت می کند، تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید. خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت

به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را ببیماییم و در آسمان هستی تا

جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم. زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر

جهان خلقت است.

حالا خودت به خلاصه خوب بنویس از کل دروازه های دینی برای مرورت:



دروازه دینی پیش:

دروازه دینی سوم:

تحلیل آیه حقیقت توبه:

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

پیام آیه:

برای انسان خطا کار، همیشه راه بازگشت و اصلاح، باز است. فَمَنْ تَابَ توبه، تنها يك ندامت درونی نیست؛ بلکه باید همراه با جبران مفاسد گذشته باشد. وَأَصْلَحَ اگر انسان توبه کند، خداوند هم توبه او را می پذیرد. يَتُوبُ عَلَيْهِ سرقت، ظلم به خود و جامعه و تجاوز به امنیت جامعه است. بَعْدِ ظُلْمِهِ مجرمان را باید به راه خدا دعوت و امیدوار کرد. فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ... غَفُورٌ رَحِيمٌ توبه انسان مقدم بر توبه خداوند است.

در این آیه از گناه با نام ظلم یاد شده است دلیل این نام گذاری این است که گناه نوعی ضایع شدن حق است. اقدامات لازم برای رسیدن به مرحله آمرزش:

الف) توبه از گناه و ظلم (تاب من بعد ظلمه)

ب) اصلاح گذشته (اصلاح)

توبه پذیری خداوند ناشی از دو صفت: آمرزش و رحمت اوست.

در این آیه برخلاف آیه ((وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا)) به قطعیت در آمرزش و رحمت خداوند

اشاره شده است در حالی که در آیه مورد مقایسه به این اشاره شده که خود انسان توبه کار با توبه کردن خداوند را آمرزنده و رحیم می یابد.

رمز آیه: فَمَنْ تَابَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(در حالی که در آیه قبل ابتدای آیه ((وَمَنْ)) و انتهای آیه ((یجد)) می آمد)

## ۱۱) توبه و پاکی:

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست.

توبه گناهان را از قلب خارج می کند و قلب را شست و شومی دهد. به این عمل میگویند: پیرایش و یا تخلیه توبه نه تنها گناه را پاک می کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می سازد.



امام علی: ((توبه دل ها را پاک می کند و گناهان را می شوید) (علت)

پیامبر: ((کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناه نکرده است)) (معلول)

## تحلیل آیه توبه و پاکی:

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

## پیام آیه:

توبه اگر حقیقی باشد آثار مفید مادی و معنوی دارد.

اسلام، بن بست ندارد. گنهکار نیز راه بازگشت دارد. إِلَّا مَنْ تَابَ

در هنگام ارتکاب گناه، ایمان از کف می رود، و هنگام توبه باز می گردد. إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ

توبه، يك انقلاب همه جانبه است، نه يك حرکت سطحی و لفظی، عمل صالح

جایگزینی عقوبت با پاداش یکی از مظاهر رحمت و آمرزش الهی

عوامل تبدیل کننده گناهان به نیکی ها:

الف) توبه کردن (تاب)

ب) ایمان آوردن (آمن)

ج) انجام کار نیک (عمل صالح)

یادداشت کن:

(۱۲) مراحل توبه:

توبه صرفاً لفظی نیست بلکه تحولی درونی و قلبی است که آثار گناه را پاک می کند.

مرحله اول: پشیمانی از گذشته (رمز: ش دارن: پشیمانی+شیرینی+شوق+خوشش بیاید)

رکن و قدم اول توبه

حالتی درونی که شخص را دچار حسرت و اندوه می کند.

شیرینی گناه تبدیل به تلخی می شود.

تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی است و خاطره گناه شیرین است توبه شروع نشده.

خداوند: تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است توبه اش را نپذیرم.

توبه بر لب سبزه بر کف دل پر از شوق گناه

اگر پس از توبه همچنان از گناه خود خوشش بیاید و لذت ببرد هنوز پشیمان نشده است و ادعای پشیمانی

کرده است.

معمولاً با استغفار همراه است.

ابراز پشیمانی با عبارت ((استغفرالله))

مرحله دوم: تصمیم بر عدم تکرار گناه: (رمز: از ریشه فعل+مستهزی)

رکن دوم توبه

تصمیم جدی بر ترك گناه

عدم پذیرش توبه در صورت: اظهار ندامت ظاهری و نمایشی (بدترین اثر: به استهزا گرفتن خداوند)

((استغفر من الذنب و یفعله کالمستهزی بربه))

نکته: دو مرحله قبل عادت به گناه را از بین می برد. اما برخی گناهان که به حق الناس مربوط است جبران

نمی کند.

مرحله سوم: جبران حقوق مردم: (رمز: ادا کردن دین مادی و معنوی+صدقه+دعا)

در حد توان جلب رضایت صاحبان حق در صورت دسترسی به آنان با ادا کردن حقوق مادی و معنوی

در حق صاحبان حق صدقه دادن + دعای خیر در صورت عدم دسترسی داشتن به آنان

حقوق معنوی مردم بسیار مهم تر از حقوق مادی

مرحله چهارم: جبران حقوق الهی: (رمز: اطاعت خداوند+توحید عبادی+عفو)

مهم ترین حق خدا بر مردم حق اطاعت و بندگی اوست. (مهمترین حق مردم بر رهبر و برعکسش چی بود؟!)

جبران کوتاهی های خود در پیشگاه خداوند(نماز های قضا را بخوانیم و ...)

در صورت حداکثر تلاش و باقی ماندن حقی در برابر خداوند او مهربان است و بقیه موارد را خود جبران می

کند در نتیجه عفو کامل صورت می پذیرد.

۱۳) توبه اجتماعی:

توبه همانند توحید عملی (عبادی) دارای دو بعد است: ۱) توبه فردی ۲) توبه اجتماعی  
تعریف:

بازگشت جامعه به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی.

انحرافات اجتماعی:

ربا خواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا  
نکته: انحراف های اولیه اجتماعی باید در همان مراحل **ابتدایی** خود اصلاح شوند تا **گسترش** نیابند و **ماندگار** نشوند.

راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری ها = امر به معروف و نهی از منکر  
گفتیم امر به معروف و نهی از منکر پس باید درس **نظارت همگانی** مرور بشه که من واستون آوردم:

**امر به معروف = (واجبات و مستحبات) و نهی از منکر = (محرمات و مکروهات):**

همواره افرادی هستند که از فرمان های الهی سرپیچی می کنند و مرتکب گناه می شوند؛ یعنی واجبات را ترک می کنند و محرمات را انجام می دهند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان ها و تأثیر پذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب (که همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود) نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می کند. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین هدف از **قیام و شهادت** خود و یارانش را **احیای امر به معروف و نهی از منکر** دانست.

.....	اولین	دو شرط
.....	مقدم	رستگاری
.....	دومین	فلاح جامعه
.....	مؤخر	ثمره وجود نظارت همگانی در جامعه

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... محرمات و مکروهات. ... واجبات و مستحبات

پیشگیری از گناه - زمینه گناه را اگر می کند...  
درمان گناه

سر بلندی و رستگاری جامعه ی اسلامی در دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر است.  
آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

معلول [ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ]  
راه بهترین امت شدن  
علت (۱) تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ  
(۲) وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
(۳) وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ...

تقدم امر به معروف به ایمان خدا: اینست که امر به معروف موجب گسترش ایمان می شود.

دو مورد ویژگی جامعه اسلامی:

انجام امر به معروف و نهی از منکر + ایمان به خدا می دهد: بهترین امت و الگوی سایر جوامع

جامعه اسلامی با توجه به متن درس نه سال چهارم: جامعه ای الگو و اسوه برای سایر مسلمانان است.

۱۴) زمان توبه:

امام علی: ((از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر...))  
تمام طول عمر ظرف زمان توبه است.

بهترین زمان توبه: زمانی که توبه آسان تر و جبران گذشته راحت تر

علت مناسب تر بودن زمان جوانی نسبت به پیری برای توبه:

الف) دوره جوانی انعطاف پذیری بیشتری دارد، تحول و دگرگونی دارد.

ب) حيله خطرناک شیطان این که به امید توبه کردن در پیری انسان در جوانی خوش گذرانی کند.

دلایل مورد ب:

۱. پیری محصول جوانی است و تعداد گناهکاران متحول شده در پیری بسیار کم

۲. بسیاری از انسان ها اصلاً به پیری نمی رسند در نتیجه عدم فرصت توبه

۳. فریب بزرگ شیطان این که: لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه دهد.

نکته: مؤمنان هم از لذت های عالی معنوی برخوردار می شوند و هم بی دغدغه گناه و به دور از رنج های روانی، از

لذت های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

پایه دس، مقتم دینم و زندگی تیش دلنشاهی



مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زند پس به کمتر از  راضی نشو!